

لیزا گلمیک

مسجد جامع هرات^۱

ترجمه اردشیر اشراقی

در خلال سده نهم / پانزدهم، مراکز شهری قلمرو تیموریان و فرکمانان رشدی خیره‌کننده یافت و پیرامون هسته‌های قدیمی شهر را حومه‌های تازه گرفت. در زمینهایی که پیش‌تر بیابان بود، برای آبرسانی به باغهای گسترده امکانات آبیاری گسترش یافت. با افزایش جمعیت و فشار ناشی از آن در هسته‌های قدیمی شهرها، حومه‌ها با تشکیلات خاص خود به سرعت جزئی از شهرها شدند. با این همه، به‌رغم گسترش نامنظم این کلان‌شهرهای وسعت‌یافته، هسته قدیمی شهر همچنان اهمیت خود را حفظ کرد.

امکان بقای مراکز بازرگانی قدیمی تا حدودی به استقرار در درون مسجد جامع اولیه شهر بستگی داشت. مردم هر شهر برای مسجد قدیمی آن، صرف‌نظر از اینکه چه تعداد مسجد تازه و نو در حومه شهر ساخته می‌شد، به لحاظ قدمت و غالباً زیبایی‌اش احترام خاصی قائل بودند. پژوهشهای باستان‌شناسی مساجد جامع اصفهان، یزد، شیراز، کرمان، و شهرهای دیگر چگونگی نشان می‌دهد که با وجود تغییرات سیاسی و نوسانات اقتصادی، و حتی دگرگونیهای قومی جمعیت شهری، حیات مسجد جامع اولیه شهرها ادامه یافته است. در حقیقت، تاریخ مسجد جامع هر شهر غالباً عالم صغیر تاریخ آن شهر به‌شمار می‌رود که در دوره‌های ویرانی و آبادانی خود سرگذشت شهر را به تفصیل باز می‌گوید.

تاریخ مسجد جامع هرات این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. این بنا در بخش شمال شرقی شهر و در درون باروی اصلی آن قرار دارد. این مسجد در مرکز کالبدی شهر واقع نبود؛ اما از راسته‌های شمالی و شرقی بازارهایی که در مرکز شهر یکدیگر را قطع می‌کردند به آسانی می‌شد به آن رسید (ت ۱). تازه‌ترین شواهد درباره اهمیت مسجد کهن از عملیات نوسازی‌ای به دست آمده که در سال ۱۹۴۴ آغاز شد. متأسفانه با این کار بیشترین ویژگیهای اصلی مسجد از میان رفت. کار مرمتگران معاصر با رنجهای بی‌شماری که خیران پیشین در طول نهمصد سال گذشته متحمل شدند تا به‌رغم مشکلاتی که غالباً بر سر راه بود ویژگی اصلی این بنا — و حتی اجزای واقعی ساختمان اولیه — را حفظ کنند، تفاوت بسیار دارد.

مسجد جامع هرات، که در نیمه دوم سده پنجم هجری به دست شمس‌الدین مسعود هروی بنا شد، مانند بسیاری از مساجد جامع اولیه شهرها، بازگوکننده فراز و نشیبهای تاریخی هرات است. این مسجد در طول حیات خود بارها ویران و از نو ساخته شد. پس از آتش‌سوزی مسجد در اواخر قرن ششم، سلطان غیاث‌الدین محمد بن سام مسجدی تازه بنیاد نهاد و مسجد سوخته را نیز بدان افزود. یک بار نیز معزالدین حسین، حاکم هرات در قرن هشتم، مسجد را پس از ویرانی در زلزله بازسازی کرد. جلال‌الدین فیروزشاه هم در اواخر سلطنت شاهرخ تیموری مسجد را مرمت کرد. از پس چند سیل و زلزله دیگر، سرانجام علی‌تیر نوابی به تعمیر اساسی مسجد همت گماشت و در این راه حوصله و مال بسیار صرف کرد. اطلاعاتی که خواندمیر از مسیر بازسازی مسجد در عهد امیر علی‌شیر به دست می‌دهد درخور اعتناست. در مطالعه تاریخ مسجد جامع هرات دو مسئله مطرح است: یکی اینکه به‌رغم نگرش همیشگی حامیان که ساخت بنای جدید را بر بازسازی بناهای گذشته ترجیح می‌دادند، مرمت این مسجد همواره مورد توجه بوده است. دیگر اینکه با وجود مرمت‌های بسیار، ویژگیهای اصلی و اولیه مسجد تغییر چندانی نکرد. گویا تقدس ساختمانهای اولیه مانع از تخریب و بازسازی کامل آنها می‌شد. این گونه حفاظت از بنای اولیه مختص مسجد جامع هرات نبود.

مسجد هرات را شمس‌الدین مسعود هروی، وزیر سلطان تکش، در نیمه دوم سده پنجم / یازدهم بنا کرد.^۲ مسجد سقفی چوبی داشت که فضایی بسیار کوچک‌تر از فضای مسجد بعدی را فرا می‌گرفت. در زلزله جمادی‌الاول سال ۴۹۵ق/ فوریه - مارس ۱۱۰۲م، ساختمان مسجد تقریباً به‌کلی ویران شد.^۳ مردمان از اینکه این حادثه شب‌هنگام روی داد و کسی در مسجد نبود، بسیار شاکر بودند و روز بعد بی‌درنگ تعمیر آن را شروع و شب و روز کار کردند.

مسجد تازه‌ساخت یک قرن بعد و در روزگار سلاطین غوری طعمه آتش شد. در سال ۵۹۷ق/ ۱۲۰۰-۱۲۰۱م سلطان غیاث‌الدین محمد بن سام ساختن مسجدی تازه را آغاز کرد و مسجد سوخته را نیز با امکاناتی دیگر بدان افزود. سلطان غیاث‌الدین نه تنها مسجد را در محل اولیه خود از نو بنا کرد، بلکه جهت محراب قبله اصلی آن را که در ضلع غربی واقع بود و از سنت حنفی حکایت می‌کرد، مراعات کرد. آثار مکتوب به‌جامانده بر این نکته تأکید می‌کند که غیاث‌الدین شافعی‌مذهب بود و این مسجد را هم برای شافعیان ساخت که محراب قبله را در پهلوئی جنوبی مطلوب می‌دانستند.^۴ ساختمان مسجد تازه به تمامی از آجر بود. شبستان را گنبد آجری بزرگی می‌پوشاند که در پشت ایوانی قرار داشت. سه ایوان بر

محورهای حیاطی بزرگ قرار داشت. غیاث‌الدین محمد بیرون مسجد و در جهت شمال، مقبره‌ای گنبددار ساخت که پس از مرگش در جمادی‌الاول سال ۵۹۹ق/ فوریه ۱۲۰۳م، در همان‌جا دفن شد.^۵ کتیبه‌های این مقبره را پیش از ویرانی اسفانگیز آن در دهه ۱۹۴۰ از روی عکسهای گرفته‌شده مطالعه کرده‌اند. ساختمان مسجد در زمان درگذشت سازنده آن کاملاً به پایان نرسیده بود و دو سال بعد به دست فرزندش، سلطان غیاث‌الدین محمود، تکمیل شد.

همین مسجد است که امروز بیش از هفتصدسال عمر دارد و همچنان مرکز روحانی شهر هرات است. با اینکه در زمانهای مختلف، اجزای داخلی نظیر چرخها و قوسها و طاقها را عوض کرده‌اند، ابعاد و شکل کلی مسجد باقی مانده است. سردر قدیمی عهد غوریان در جانب جنوب شرقی، که تا سال ۱۹۶۴ با آمود دوره تیموری پوشانده شده بود، دارای کتیبه‌هایی است که نام سلطان غوری و تاریخ رمضان ۵۹۷ق/ ژوئن - جولای ۱۲۰۱م را بر آنها نوشته‌اند.^۶ از این سردر برمی‌آید که حد شرقی مسجد در دوره غوریان دست‌کم تا این نقطه امتداد داشته است. کتیبه‌های گچی ایوان شبستان نزدیک محراب که از دوره غوریان باقی است، با وجود تعمیرات زیاد دو قرن بعد، همواره مقابل دید قرار داشته است. بر

اینها نیز نام سلطان غوری نقش بسته است و حدّ غربی مسجد را نشان می‌دهد.^۷

معلوم نیست که طرح شبستانی با ستونهای چهارگوش بقیه قسمتهای مسجد تا چه اندازه متعلق به دوره غوریان یا دوره‌ای متأخر است. این مسجد رو به ویرانی گذاشت، و در سال ۷۲۰ق/ ۱۳۲۰-۱۳۲۱م ایوانهای جنوبی و شرقی را از نو ساختند. می‌گویند از ستونها و قبه‌های شبستانها، که جملگی می‌بایست «استوارتر و نیکوتر از پیش» مرمت می‌شد، هیچ نمانده است. مقبره را نیز مرمت کردند و قمام مسجد را از نو آراستند. غیاث‌الدین محمد در این ایام مدرسه غیاثیه را در امتداد پهلوی شمالی مسجد برپا کرد.^۸

بار دیگر سرنوشت با این مسجد سرفراز سر ناسازگاری گذاشت. در سال ۷۶۵ق/ ۱۳۶۴م زلزله‌ای ویرانگر بیشتر بناهای هرات را خراب کرد. طاق مقصوره مسجد «که در هیچ شهری همتا نداشت» فرو ریخت و فقط جرزه‌هایش باقی ماند. حاکم هرات، معزالدین حسین، آن را تعمیر کرد و «خانقاه نو» را هم بدان افزود. به سال ۷۷۱ق/ ۱۳۶۹-۱۳۷۰م خود او را در مقبره دفن کردند.^۹ در سال ۷۷۵ق/ ۱۳۷۳-۱۳۷۴م آخرین امیر آل کرت تشت «شربت» مفرغینی را وقف مسجد کرد که هنوز در حیاط آن برجاست.^{۱۰}

ظرف ده سال، سپاهیان تیمور به دروازه‌های هرات رسیدند. شهر سقوط کرد و دودمان کرت از هم پاشید. در سال ۸۰۰ق/ ۱۳۹۷م فرزند تیمور، شاهرخ، بر مسند حکمرانی هرات نشست و آنجا را تختگاه خود کرد. بازسازی شهر در سال ۸۱۳ق/ ۱۴۱۰م آغاز شد. شاهرخ توجه خود را به کانون قدیمی شهر معطوف کرد و بازارهای آن را از آجر ساخت. ساختن مسجد جامع تازه‌ای در خارج از کانون شهر و در منطقه مصلّا در سال ۸۲۰ق/ ۱۴۱۷م به دست همسر شاهرخ، گوهرشاد، نشان از گسترش وسیع حومه‌های شهر به جانب شمال غربی و بعدها به جانب شمال و شمال شرق داشت.^{۱۱}

با این همه، مسجد قدیمی جاذبه خود را از دست نداد. در دهه ۸۴۰ق/ ۱۴۴۰م، بار دیگر آن را مرمت کردند؛ اما این مرتبه کار نه به دست سلطان، که به وسیله یکی از برجسته‌ترین امیران او، جلال‌الدین فیروزشاه (ف ۸۴۸ق/ ۱۴۴۴-۱۴۴۵م) صورت گرفت.^{۱۲} این مرمتها

بایست سطحی بوده باشد، چه ساختمان مسجد در برابر وقایعی که در پی آمد دوام نیاورد.

فاصله میان مرگ شاهرخ به سال ۸۵۱ق/ ۱۴۴۷م تا روی کار آمدن سلطان حسین بایقرا، میراث‌خوار حکومت رو به افول تیموری در سال ۸۷۴ق/ ۱۴۷۰م، از دوره‌های بی‌ثباتی بزرگ سیاسی و رو به ضعف رفتن اوضاع اقتصاد بود. مصائب طبیعی سختی همچون زلزله و سیل که با غفلت و فرسایش طبیعی آمیخته شد بایست اوضاع حکومت را به وضعی اسفبار کشانده باشد. آن‌گونه که خواندمیر اوضاع این مسجد را پیش از مرمت بعدی آن توصیف می‌کند:

و در ایام دولت و اوان سلطنت سلطان صاحب‌قران و خاقان گیتی‌ستان معز السلطنه و الخلافة سلطان حسین بهادر خان [...] طاق معموره‌اش شکستی تمام یافته و اطراف قبه معموره‌اش به سرحد خرابی شناسه جدار بندمقدارش مانند راکمان، پشت خم کرده و بیل پایه‌های عالی‌آنارش مثال ساجدان، روی نیاز به زمین آورده سفیدی گچ از سقف مرفوعش مرشح شد و خاک سیاه مناک بر زیر فرش میمونش مجتمع گشت. چون این معانی بر ضمیر انور عالی‌جناب مقرب الحضرة السلطانی بر تو انداخت همگی همت عالی نهدت بر تجدید بنای

این مسجد شریف و تشبید اساس این معبد متین مفسور ساخت [۱۰۰]»^{۱۲}

امیر علی شیر، از برجستگان فرهیخته و دانا، بیش از ۲۵ سال (۸۷۷-۹۰۶ ق/ ۱۴۷۲-۱۵۰۱ م) در مقام نزدیک‌ترین مشاور سلطان حسین خدمت کرد.^{۱۳} علی شیر کانون حلقه‌های ادبی به‌شمار می‌رفت و خود نویسندگی می‌کرد و به سبب ترویج ترکی جغتایی شهره بود. مهم‌ترین بنای این حامی هنرهای کتاب‌آرایی و معماری خلاصیه کلّیه در حومه هرات بود؛ مجتمع مذهبی و اجتماعی بزرگی مشتمل بر مسجد، مدرسه، خانقاه، کتابخانه، و بیمارستان. نویسنده مکارم/الخلاقی بیش از ۱۳۵ بنای تاریخی را نام می‌برد که به فرمان او ساخته یا مرمت شد.^{۱۴} که ممکن است اغلب آنها در جریان کارهای مربوط به نوسازی شهر صورت گرفته باشد. علی شیر سرمایه خود را بیشتر در راه مرمت ساختمانهای قدیمی صرف کرد تا ساخت بناهای تازه. بسیاری از بناهای تازه‌ای که او هزینه آنها را تقبل کرد، به جز کلّیه در هرات، در شهرهای کوچک‌تر یا در مسیر شاهراهها ساخته شد. از جمله این بناها اقامتگاههای متعددی برای مسافران، و نیز سد و آب‌انبار بود. از بناهایی که باقی مانده است هیچ‌یک کاشی‌کاری پرهزینه و فراوان به‌کاررفته در ساختمان کلّیه

با مسجد جامع هرات را، که باید استثنایی بوده باشد، ندارد.

برخلاف تمایل علی شیر به اجتناب از صرف هزینه در تزئین مسجد، گزارش خواندمیر از موقوفه‌های او برای حفظ ویژگیهای بدیع آن خبر می‌دهد. مثلاً خواندمیر درباره شهبستان گنبددار مسجد دوره غوریان که در آستانه ریزش قرار داشت، می‌نویسد:

... در رمضان سنه ثلث و تسع مائه {آوریل - مه ۱۴۹۸} نخست به باز کردن پشت طاق مقصوره که مکسور گشته بود امر نمود. بعد از آن به استصواب معماران صادق و مهندسان مدقق به راست ساختن آن بنا بر وجهی که از آن محکمتر نتواند بود اشراف نمود و در دو جانب صفا مقصوره دو ایوان عالی‌شان بنا نهاد و به آن جهت طاق بزرگ را استحکام تمام و منانت لاکلام داد.^{۱۵}

تا پیش از اعلام نظر گروه مهندسان و معماران، علی شیر تصمیم به برداشتن گنبد اصلی شهبستان نگرفت. همچنان که در نقشه سال ۱۹۴۴ استاکرت^(۱) نشان داده شده (ت ۲)، این تصمیم از آن رو بود که شهبستان را همچون ایوانی امتداد یافته از نو بسازند.^{۱۶} در این نقشه، جرزهای ایوان شهبستان در یک خط قرار ندارند و چه‌بسا این موضوع دال بر مقداری باشد که جرزها به لحاظ از شکل افادن گنبد پیش از خرابی آن، جابه‌جا شده‌اند.

با وجود این تغییر عمده شستان، علی‌شیر کتیبه‌های گچی زیر طاقها را که به دوره غوریان مربوط می‌شد در نزدیک‌ترین نقطه به دیوار قبله حفظ کرد. این کتیبه‌ها هیچ‌گاه پوشیده نمانده است (ت ۳).

علی‌شیر عافیت‌طلب و بیرون از معرکه نبود. او به طرح‌های ساختمانی خود علاقه‌ای شخصی داشت و مرمت این مسجد قدیمی را بسیار مهم می‌دانست. به گفته خواندمیر، او غالباً همچون کارگری معمولی در کارها شرکت می‌کرد و یا برگزاری مهمانیها موجب تقویت روحیه کارکنان می‌شد:

و آن بانی بیانی خیرات به واسطه کثرت اهتمام در اقام این عمارات هر روز به نفس نفیس به آن مقام شریف تشریف می‌فرمود و بسیاری از روزها دامن در میان زده مانند سایر مزدوران، خشت به دست استاد می‌داد و کار می‌کرد. و در هر چند روز، معماران و استادان و سایر پیشه‌وران آنجایی را جامه‌های گران‌مایه می‌پوشانید و به نوازش موفور و انعامات غیرمحمصور خوش‌دل و مسرور می‌گردانید. لاجرم به توفیق الهی و تأیید نامتناهی پادشاهی، کار سه‌چهارساله در مدت شش ماه تمام گشت و رفعت ایوان مقصوره به مفضای امر امیر بحر مکرمت از آنچه پیش‌تر بود شش هفت ذرع درگذشت. چون اصل کار تمام گردید و قواعد آن بنای هَرَمَان مستحکم شد، فضلا و شعرا در تاریخ تجدید آن بنا ابیات فصاحت‌آیات در سلک نظم کشیدند و کتابه‌نویسان بعضی از آنها را در کتابه آن بقعه عالیه مسطور گردانیدند. عالی‌حضرت مقرب الحضرة السلطانی لفظ «مرمت کرد» = ۹۰۴ را جهت ضبط تاریخ آن سال یافته بودند و به حسب توارذ، جناب مولوی مخدومی فضیلت‌شعاری مولانا معین‌الملله والدین اسفزاری را نیز همین لفظ به خاطر آمد و بدین گونه نظم خوده‌اند:

نظام دولت و دین میر پادشاه‌نشان

که دولت دو جهانیش حق کرامت کرد

تو اتفاق حسن بین و اقتضای قضا

که چون موافق تاریخ شد «مرمت کرد»

و راقم حروف را نیز این قطعه به خاطر فاتر رسیده بود که:

گشت محکم اساس این مسجد

ز اهتمام امیر بنده‌نواز

بهر تاریخ گفت مرشد عقل

«شد مشید اساس جامع باز»

۹۰۴=

الفصه بعد از آن که ضمیر انوار والاگهر از جانب منانت و استحکام آن معبد عالی‌مقام فارغ گشت، خیابان زیب و آرایش و اندیشه تکلف و غایش بر خاطرش گذشت و به موجب اشارت علی، مهندسان خجسته‌آثار و کاشی‌تراشان شهرین‌کار و هنرمندان نقاش و استادان سنگ‌تراش به جد هر چه تمام‌تر روی به زیبا و تزیین آن مسجد فیض‌آیین آوردند و به مدت یک سال، کاری که به حسب تخمین و قبایس می‌بایست که در قرب پنج سال اختتام یابد، در غایت پکی و آراستگی تمام کردند. وجوه طاقها و رواقهایش به نقوش اسلیمی و ختایی مزین و محلاً شد و صفحات صفا‌های پرفشایش به وفور تکلفات غریب و کثرت اختراعات عجیب از سایر بقاع ممتاز و مستثنا گشت. سقف گنبدی بلندش مانند صحیفه اعمال نیکوکاران، صفت سفیدی و روشنی پذیرفت و آزاره‌های ایوانهای آرزجندش از سنگهای سوران رصانت و منانت لاکلام گرفت.

پیر از نقش و نگار از فرش تا سقف

مهندس را بر او فکر و نظر وقف

ز عالی‌غرفه‌هایش چشم بد دور

مفوس طاقها چون ابروی حور^{۱۸}

متبری با نه پله از مرمر سخت را که کار استاد شمس‌الدین بود از خواف بدین جا آوردند. این مسجد شش در داشت. کار ساخت آن در ۱۴ شعبان ۹۰۵ ق / ۱۵۰۰ م پایان پذیرفت.^{۱۹} علی‌شیر کارگران را چنان می‌نواخت که کاری که معمولاً برای انجام دادنش وقت خیلی زیادتری لازم بود با سرعتی شگفت‌انگیز به انجام رسید.

گزارش خواندمیر درباره علی‌شیر علاوه بر توصیف شخصیت او، اطلاعات مهمی نیز در زمینه روند ساخت بنا و حرفه‌های به کاررفته در حوزه مسجدسازی به دست می‌دهد. به ندرت به متوفی برمی‌خوریم که در آنها آمده باشد کار تکمیل یک طرح چقدر طول کشیده است. اما در اینجا است که می‌خوانیم مرمت پرخرج بنایی بزرگ ممکن بود از سه تا چهار سال برای ساختمان آن، و پنج سال برای آماده‌سازی و کاربرد پوشش کاشی و سنگ‌کنده‌کاری شده به طول بینجامد. ساخت مسجد جامع گوهرشاد در مصلاهی هرات بر اساس کتیبه‌های آن شانزده سال زمان برد و دست‌کم چهار سال دیگر طول کشید تا پوشش بدنه آن را تکمیل کنند.^{۲۰}

اما این مسجد، براساس تصاویر و نقشه استاکرت نا چه اندازه وضع ساختمانی سال ۹۰۵ق/ ۱۵۰۰م را نشان می‌دهد؟ خواندمیر اندازه‌گنبدها و ستونها و طاقهای مسجد، و نیز بسیاری از اندازه‌های مهم‌تر آن را آورده است.^{۲۱} این مختصات در جدول ۱ گرد آمده است. مأخذ اصلی استفاده شده نسخه خلاصه الاخبار خواندمیر در کتابخانه بریتانیاست.^{۲۲} تفاوتی که در دیگر نسخ دیده می‌شود نیز آورده شده است. مقایسه این اندازه‌ها، که به ذرع یا ذراع است، با اندازه‌های واقعی مسجد آموزنده است. این کار با بهره‌گیری از یادداشت‌های منتشر نشده اریک شرودر^{۲۳} که گرچه ناقص است، دقیق‌ترین اندازه‌های به دست آمده از این مسجد محسوب می‌شود. همراه با اندازه‌های تقریبی برگرفته از پیش‌طرح منتشر شده استاکرت میسر شده است.^{۲۴} اندازه‌های ذکر شده به ذرع، به متر تغییر داده شده است (هر ذرع = ۰/۷۱۷ متر^{۲۵}). این عدد از انتخاب سه مشخصه به دست آمده که گمان نمی‌رود در طول قرن‌ها دستخوش تغییر شده باشد و آنها را می‌توان با بالاترین صحت از پیش‌طرح مذکور اندازه گرفت: عرض و طول صحن و ضلع مقبره. در جدول تهیه شده، ستون «الف» مختصات را به ذرع نشان می‌دهد. در ستون «ب»، این اندازه‌ها به متر تبدیل شده است. در ستون «پ»، مقایسه این اعداد با اندازه‌های واقعی تخمین زده شده از پیش‌طرح آمده است. ستون «ت» مقدار اختلاف را نشان می‌دهد. برای مشخص کردن میزان اختلاف لازم بوده است تا مقدار کلی طول و عرضی که خواندمیر ذکر کرده نادیده انگاشته شود؛ چه حدود خارجی بنا در گذر قرن‌ها کاسته شده است. به علاوه، از آنجا که قسمت خارجی بی‌قاعده بود، اندازه‌ها بسته به موقعیت محوری که اندازه‌گیری می‌شد فرق می‌کرد. مقداری هم که برای عرض ایوان مقصوره ذکر شده است نادیده گرفته شد. در نسخه ویراسته اعتمادی، این رقم قطعاً ناصحیح است؛ و در نسخه کتابخانه بریتانیا، با در نظر گرفتن اینکه اگر خود ایوان دچار تغییرات زیادی نشده باشد، که همین گونه هم هست، اندازه مذکور نمی‌تواند خیلی تغییر کرده باشد و این تفاوت بسیار زیاد است.

از این رو، با استثناهایی که در بالا آمد، اختلاف بین مختصات متن مذکور و اندازه‌های واقعی تنها بین صفر تا کمتر از یک متر (۰/۹ متر) خواهد بود. متوسط اختلاف

۳۰ سانتی‌متر است. بنا بر این، می‌توان نتیجه گرفت که در بنایی که تا اواخر سال ۱۹۴۳ قابل مشاهده بود، اندازه‌های اساسی و نقشه مسجد نوسازی شده به دست علی‌شیر حفظ شده بود.

شش سردر اصلی مسجد را که خواندمیر برشمرده است می‌توان در نقشه استاکرت شناسایی کرد. این سردرها در نوسازیهای اخیر در برابر سردر عظیمی که در بیرونی شرقی ساخته‌اند رنگ باخته است. ترتیب بی‌قاعده درها بر روی نقشه محتملاً تابع طرح شارعی مربوط به پیش از دوره تیموری است.

اختلاف اندازه چهار ایوان مسجد با ابعادی که خواندمیر آورده هماهنگ است. بقیه مسجد طرح شبستانی یکدستی با ستونهای ساده داشت. به سخن خواندمیر، شمار جزرها به ۴۲۰ می‌رسید، که اندکی بیش از مقداری است که در نقشه یادشده آمده است. همو تعداد طاقهای مدور [شبستان] را ۴۰۸ ذکر می‌کند، که حدود ۳۰ تا بیشتر از تعدادی است که در نقشه می‌توان شمرد. شاید از زمان نوسازی دوره تیموری یک یا دو ردیف از دهانه‌های انتهای شرقی مسجد از بین رفته باشد.

نمای تیموری جانب غربی صحن جلو مقصوره، مانند مسجد زیارتگاه^{۲۶} قوس سه‌قسمتی داشت. در عکسهای استاکرت، قوس میانی که از برجهای پرحجم حیاط آغاز می‌گردد، دیده نمی‌شود. اگر می‌خواستند این قوس را بازسازی کنند، بایستی بین ۱۰ تا ۱۵ متر بر ارتفاع آن می‌افزودند تا قوسی با دهانه حدود ۱۷/۵ متر را در خود جای دهد. قوسی که در عکسهای استاکرت دیده می‌شود در اصل دیوار پشتی ایوان دارای قوس بزرگ به کار رفته بود و هنگامی که این ایوان فروریخت، آن را از نو ساختند. خواندمیر تصدیق می‌کند که ایوان مقصوره بسیار بلند بود. مقصوره بایست خیلی شبیه مقصوره روزگار علی‌شیر بوده باشد؛ یعنی ایوانی دراز که دیوارهایی آن را نگه می‌داشت که خود با پنجره‌هایی قوس‌دار با اندازه‌های مختلف مجوف شده بود.

به جز دیوار سمت قبله، در دیگر اضلاع صحن رواقهایی در طرفین ایوانها قرار داشت. در نسخه‌ای از کتاب خواندمیر، شمار طاقهای این رواقها ۳۰ طاق ذکر شده، که دو تا بیش از آن چیزی است که در نقشه یادشده دیده می‌شود. در دیگر نسخ ارقام خیلی بزرگ‌تری (مثلاً

۱۳۰ طاق) ذکر شده، که از آنها برمی‌آید که پیرامون صحن رواقهای دو یا سه طبقه به کار رفته باشد. عکسهای اسنکرت رواقی باز را در بالای رواقهای حیاط نشان می‌دهد؛ اما به نظر نمی‌رسد با آنها یکی باشد. در نماهای صحن تقریباً هیچ چیز اصلی از آموده دوره تیموری باقی نمانده است. جای اغلب آنها را کاشیهای امروزی گرفته است.

تاریخ مسجد هرات دو مسئله را مطرح می‌سازد که از دایره تاریخ‌نگاری این بنای خاص فراتر می‌رود. مکتوبات تاریخی نشان می‌دهد که ساختمان مسجد بر خلاف تحولات سیاسی و اوضاع نامساعد اقتصادی پیوسته تعمیر و نگهداری شده است. چنین نگرشی با عملی که میان طبقه حامیان متداول بود و مرمت بناهایی را که خود نساخته بودند دون شأن خویش می‌انگاشتند مغایرت دارد. در این میان علاقه علی‌شیر به صرف هزینه‌های زیاد برای مرمت بناها استثناست. ترجیح مردمان بیشتر آن بود که مؤسسه‌های شخصی و بزرگ‌تری همچون مدرسه‌ها، خانقاه‌ها، و یا مساجد کوچک‌تری بسازند که متعلق به خودشان باشد، تا به مرمت بنای ساخته شده به دست دیگری بپردازند. این طبیعت عمومی مسجد جامع هرات بود که جای خاصی در دل حاکمان و همچنین عموم مردم داشت.

پرسش دوم به خود مرمتها مربوط می‌شود. اگرچه مسجد هرات غالباً در شرف ویرانی کامل بوده است، هیچ‌یک از حامیان آن اندیشه‌ای جدی برای تخریب کل بنا و برافراشتن ساختمانی تازه عرضه نکرد. از مطالعه متون تاریخی، کتیبه‌ها، و بقایای بنا روشن می‌شود که مسجد جامع هرات در طول بالغ بر هفت قرن با وجود نوسازیهای بسیار تغییر خیلی اندکی کرد. سلاطین کرت و نیز مرمتگران اوایل دوره تیموری بیشترین تزیینات دوره غوریان را دست‌نخورده باقی نهادند و ابعاد اصلی مسجد را حفظ کردند. اثر نادر خواندمیر از تلاش علی‌شیر برای حفظ شکل اصلی مسجد و از جمله گنبد آن حکایت می‌کند. اما چون این کار میسر نشد، او بر حفظ کتیبه‌های گچی دوره غوری در نزدیک‌ترین محل به دیوار قبله پای فسرود. در اینجا نیز این حفظ سنت قدیم را درباره یک مسجد جامع باید تا حدودی ناشی از طبیعت عام آن شمرد. قدمت ساختمانهای اولیه تقدس

الف	ب	پ	ت	متن جو ندبیر (به ذرع)	متن خواندمیر (به متر)	اندازه واقعی (به تقریب متر)	سقوط ب سبب (به متر)
۲۵۳	۱۸۳/۱	۱۷۲/۵					
۱۵۰	۱۰۷/۶	۱۰۵					
۱۱۴	۸۱/۷	۸۱/۶	۰/۱	طول			
۸۴	۶۰/۲	۶۰/۴	+۰/۲	عرض			
۳۳ (۲۲۴)	۱۶/۵	۱۶/۵	۰	هفتمه (ضلع)			
۶۵	۴۶/۶	۴۵/۷	-۰/۹	طول			
۲۰	۱۴/۲	۱۱/۶	-۲/۷	عرض			
۲۶	۱۸/۶	۱۸/۳	۰/۳	پهنای قوس			
۳۳	۱۶/۵	۱۶/۵	۰	طول			
۱۵	۱۰/۸	۱۱/۲	+۰/۴	عرض			
۲۸	۲۰/۱	۱۹/۳	-۰/۸	طول			
۱۵	۱۰/۸	۱۱	+۰/۲	عرض			
۲۲	۱۵/۸	۱۶	+۰/۲	طول			
۱۲/۵	۹/۷	۹/۲	-۰/۴	عرض			

۱. ۷۵۰ ذرع (معماری، ویرانگر، خلاصه‌الاحیاء) ۲. ۳ ذرع (همان جا) ۳. ۲۹.۴ ذرع (پلیسکی، "Islamic Reskain Topografii" ذکر شده (همان جا))

جدول ۱. مختصات مسجد جامع هرات

خاصی به این مسجد بخشید. به لحاظ نظری، هر قدر چیزی به روزگار حضرت پیامبر نزدیک‌تر می‌بود، آن را بهتر یا مقدس‌تر می‌انگاشتند. از همین رو اقتضا می‌کرد که مرمتگران تا حد ممکن مسجد قدیمی را حفظ کنند و همچنان‌که هر سببی مرتبط با سالهای آغازین اسلام را گرامی می‌داشتند، قسمتهایی از مسجد را که می‌شد محفوظ داشت همچون آثاری مقدس نگهداری کنند. چنین وضعی تنها به هرات مربوط نمی‌شد. عقیده بر این است که نخستین محراب مسجد قیروان در پشت محرابی نگهداری می‌شود که در قرن نهم ساخته شد.^{۲۶} در مسجد عتیق شیراز تا اواخر دهه ۱۹۳۰ با وجود نوسازیهای بسیار، قسمتهایی از محراب گچی متعلق به قرن سوم/نهم را حفظ کردند.^{۲۷} با اینکه برای فضای محراب تقدس خاصی قایل بودند و به همین سبب آن را سزاوار حفظ کردن می‌دانستند، از متون نگاشته درباره مسجد هرات روشن می‌شود که هرگاه میسر بود، کل بنای مسجد را شایسته حفظ کردن می‌انگاشتند.

شاید این استنتاجها به تلاشهایی که امروزه در جهان اسلام برای توسازی شهری صورت می‌گیرد، ارتباط پیدا

of the School of Oriental and African Studies 33, no. 2 (1970), pp. 322-327.

Niedermayer, Oskar von and Ernst Diez. *Afghanistan*. Leipzig, 1924.

Pugachenkova, G. A. "Arkhitkturnye zametki: II. O sredneaziatskom arkhitkturnom giازه". in: *Iskusstvo zodchikh Uzbekistana* 1 (1962), pp. 190-194.

———. "Les monuments peu connus de l'architecture medievale de l'Afghanistan". in: *Afghanistan* 21, no. 1 (1968), pp. 41-48.

Stuckert, Ruedi and Bernt Glätzer. "Die Grosse Moschee und das Mausoleum Ghiyat ud-Din in Herat". in: *Afghanistan Journal* 7, no. 1 (1980), pp. 6-22.

Stuckert, Ruedi. "Der Baubestand der Masjid-al-Jami in Herat 1942/3". in: *Afghanistan Journal* 7, no. 1 (1980), pp. 3-5.

Wilber, Donald. *The Architecture of Islamic Iran: The Ilkhanid Period*. Princeton, 1955.

———. *The Masjid-i Atiq of Shiraz*. Asia Institute, Monograph Series, 2, Tehran, 1972.

پی‌نوشتها

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Lisa Golombek, "The Resilience of the Friday Mosque: The Case of Herat", in: *Mugarans*, vol. 1 (1983), pp. 95-102.

۲. حافظ ابرو، *جغرافیا*، نقل شده در یادداشت‌های محمد کاظم امام در تصحیح اثر زمجی (تک: پی‌نوشت ۱۳، ج ۲، ص ۳۹۸).

۳. معین‌الدین محمد زمجی اسفزاری، *روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات*، ج ۱، ص ۵۵.

۴. حافظ ابرو، *جغرافیا*، پیش‌تر، در قرن پنجم / بازدهم، سنت حنفی در خراسان و ماوراءالنهر تثبیت شده بود

(David King, "Al-Bazdawī on the Qibla...")

بر خلاف تمایلات حامیان شافعی مذهب غوری، به نظر می‌رسد به دنبال وضع اولیه مسجد که با شیوه حنفی همخوان بود، ساختمان مسجد را از نو ساختند. مسجد زیارتگاه در جنوب هرات (تک: پی‌نوشت ۱۲) رو به مغرب دارد و به گفته زمجی «قاعده مصر» را دنبال می‌کند «حکام مصر» در *روضات الجنات*، ج ۲، ص ۲۲۵. کینگ بر آن است که «معنای دقیق این عبارت معلوم نیست. در مصر قدیمی‌ترین قبله رو به محل طلوع خورشید در نیمه زمستان داشت. بدین سبب خواننده از سخن زمجی توقع دارد که در هرات قبله‌ای رو به محل غروب آفتاب در نیمه زمستان وجود داشته باشد.» نویسنده کمال قدردانی را از این سخن دکتر کینگ و دیگر راهنمایان سودمند ایشان ابراز می‌دارد.

۵. مطالعه بر روی کتیبه‌های مقبره از روی عکس‌هایی صورت گرفته است که پیش از ویرانی تأسف‌بار این بنا در دهه ۱۹۴۰ برداشته شده است. درباره معماری معبره و تاریخ آن، تک:

Wilber, *The Architecture of Islamic Iran: The Ilkhanid Period*, pp. 136-137, fig. 24, pls. 63-65; Stuckert and Glätzer, "Die Grosse Moschee und des Mausoleum Ghiyat on-lin in Herat";

زمجی، *روضات الجنات*، ج ۱، ص ۳۳.

کند. در مواردی خاص، به‌ویژه در مسجد جامع هرات، حفظ اشکال متعلق به سده‌های میانی اسلامی و چه بسا حتی ساخت دوباره آنها با مصالح بنایی امروزی با سنتی دیرینه و کاملاً مرجح ارتباط دارد.

کتاب‌نامه

حافظ ابرو، *جغرافیا*.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی. *حبيب السیر*، تهران، ۱۳۳۳.

———. *فصلی از خلاصه الاخبار*، تصحیح گویا اعسادی، ۱۳۴۵.

———. *مکارم الاخلاق*، تصحیح ت. گنج‌ای، کیمریج، ۱۹۷۹.

———. *مأثر الملوک به تسمیة حافظة خلاصه الاخبار و قانون هماهونی*.

به تصحیح میرهانسیم محمّد، تهران، رسا، ۱۳۷۲.

زمجی اسفزاری، معین‌الدین محمد، *روضات الجنات فی اوصاف مدینة*

هرات، تصحیح محمدکاظم امام، تهران، ۱۳۳۸-۱۳۳۹.

سنجوقی، فد. *خیابان*، کابل، ۱۳۴۳.

سیف بن محمد بن یعقوب هروی، *تاریخ‌نامه هرات*، تصحیح محمد زبیر الصدیقی، کلکته، ۱۹۲۲.

عبدالزاق سمرقندی، *مطلع السعدین*، تصحیح محمد شفیع، لاهور، ۱۹۴۶.

فوسح خرافی، احمد بن حلال‌الدین محمد. *مجمّل فصیحی*، تصحیح محمد فرخ، مشهد، ۱۳۴۹.

Bartol'd, V. V. *Four Studies on the History of Central Asia*, transl. V. and T. Minor-sky, Leiden, 1962, vol. 3, *Mir'Ali-Shir and a His-tory of the Turkman People*.

Belenitskii, A. M. "Istoricheskaia topografiia gerata XV v.", in: *Alisher Navoi Shornik: Statei*, ed. A. K. Borovkova, Akad. Nauk, Inst. Vostokovedeniia, Mos-cow, 1945, pp. 175-202.

Brandenburg, D. *Heart*, Graz, 1977.

Byron, Robert. "Timurid Architecture: General Trends", in: Arthur Upham Pope and Phyllis Ackerman, *Survey of Persian Art*, London and New York, 1938-39, vol. 2, pp. 1128-1129, 1134.

Creswell, K. A. C. *A Short Account of Early Muslim Architecture*, Penguin Books, 1958.

Frye, Richard. "Two Timurid Monuments in Herat", in: *Artibus Asiae* 11 (1948), pp. 206-212.

King, David. "Al-Bazdawī on the Qibla in Early Islamic Transoxania", forthcoming.

Lézine, Alexandre. "Herat: Notes de voyage", in: *Bulletin d'etudes orientales* 18 (1963-64), pp. 127-45.

Melikian-Chirvani, A. S. "Un bassin iranien de l'an 1375", in: *Gazette des Beaux-Arts* 78 (1969).

———. "Eastern Iranian Architecture: Apropos of the Ghūrid Parts of the Great Mosque of Herāt", in: *Bulletin*

۱۹. همان‌جا، کتیبه‌ای به تاریخ ۹۰۵ هجری در یکی از عکسهای اریک شرودر به چشم می‌خورد که تری آلن نویسنده را متوجه آن کرد.
۲۰. ف. سلجوقی، همان، ص ۱۷.
۲۱. خلاصه‌الآخبار، ص ۱۳. خواندمیر می‌نویسد که تعداد طاقهای مدور ۴۰۸، ستونها ۴۴۰، و طاق بواقها ۱۳۰ است؛ درسخ مختلف تعداد ۴۴۴ یا ۴۴۳ ستون و ۳۰ طاق رواق آمده است.
۲۲. نویسنده از نسخه کتابخانه بریتانیا به شماره ms. or. 1292 استفاده کرده است و قدردانی خود را از برنارد لوکان برای روگر فیتی که از اثر مذکور در اختیار گذارد ابراز می‌دارد. موارد اختلاف این نسخه با نسخه‌هایی که اعتمادی و پلینسکی استفاده کرده‌اند ذکر شده است.
۲۳. نخستین مرتبه مایکل دی آنجلیس از کارکنان گروه اسلامی موزه فاک آرت (Fogg Art Museum) به وجود این طرح پی برد و سخاوتمندانه آن را برای استفاده در این محاسبات در اختیار گذارد.
۲۴. اندازه درخ که ۷۱۷/۰ متر است با واحد «گز» در بناهای تیموری در خراسان و ماوراءالنهر، نظیر بنای آق‌سرای در شهر سبز (۷۳/۰ متر)، مسجد بی بی خاتون (خانوم) در سمرقند (۷۳/۰)، و مسجد واقع در آتابو (۷۰/۰) نزدیک است. درباره واحد «گز» که در آسیای میانه استفاده می‌شده است، نک:
- Pugachenkova, "Arkhitekturnye Zametki: II. O Sredneaziatskom arkhitekturnom giaz'e", این مقیاس به استناد *دایرةالمعارف اسلام*، با درخ عمر، خلیفه دوم (۷۲۸/۰ متر) نیز نزدیک است.
- El, 2d ed., s. v. "Dhira".
۲۵. مورخ ۸۸۷ یا ۸۸۹ هجری / ۱۴۸۲-۱۴۸۳ ل ۱۴۸۵ م.
- Pugachenkova, "Les monuments peu connus de L'architecture médiévale de L'Afghanistan". pp. 41-48.
۲۶. در حقیقت زیاده‌الله قصد تخریب محراب را داشت؛ اما در برابر فشار افکار عمومی تن به حفظ آن داد. — نقل شده از البکری در:
- Creswell, *A short Account of Early muslim Architecture*, p. 249.
27. Wilber, *The Masjid-i Atiq of Shiraz*.
6. Lézine, "Herat: Notes de Voyages". Melikian Chirvani, "Eastern Iranian Architecture".
7. Melikian- Chirvani, op. cit.; Niedermayer and Diaz, *Afghanistan*, p. 56, pl. 145; Frye, "Two Timurid Monuments in Herat"; Stuckert and Glätzer, op. cit.
۸. سیف بن محمد بن یعقوب هروی، *تاریخنامه هرات*، ص ۲۷-۷۴۶، ۷۴۵؛ خواندمیر، *حسیب السیر* ج ۳، ص ۲۷۸-۳۷۹، همو، فصلی از خلاصه‌الآخبار، ص ۹-۱۰؛ احمد بن جلال‌الدین محمد فصیح خوافی، *مجمعل فصیحی*، ج ۳، ص ۳۱.
۹. خواندمیر، *حسیب السیر*، ج ۳، ص ۳۸۰؛ فصیح خوافی، *مجمعل فصیحی*، ج ۳، ص ۹۶.
10. Melikian- Chirvani, "Un bassin iranien de l'an 1375".
- ملکیان — شیروانی.
11. Belenitskii, "Istoricheskaia topografia gerata XV v.", pp. 175-202;
- درباره مصلح، نک: ف. سلجوقی، *خیابان*؛ Byron, "Timurid Architecture: General Trends", pp. 1128-1129, 1134.
۱۲. خواندمیر، خلاصه‌الآخبار، ص ۱۰؛ عبدالرزاق سمرقندی، *مطلعه السعدین*، ج ۲، ص ۸۳۹-۸۴۱. ظاهراً در این مرحله مسجد هنوز گنبدی در پشت ایوان مقصوره داشته است. ذکر ایوان و گنبد هر دو در استعار امیرخسرو دهلوی در اواخر قرن هفتم / سیزدهم با اوایل قرن ۱۲ هفتم / چهاردهم آمده است (زمچی، *روضات الخانات*، ج ۱، ص ۳۰). زمچی خود در این کتاب سخنی از گنبد نمی‌گوید. اما یادآور می‌شود که کتیبه عهد غوریان «در ایوان مقصوره» دقیقاً سیصد سال قدمت دارد.
۱۳. خواندمیر، *سائر الملوک* به ضمیمه خاتمه خلاصه‌الآخبار و *تلمیح هسانوی*، ص ۱۸۷. این مطلب و منتخبات دیگری که در پی می‌آید نیز در رساله مخصوص خواندمیر درباره علی‌شیر یافت می‌شود: *مکارم‌الآخلاق*، ص ۱۴۸-۱۵۰.
۱۴. نک: زندگی‌نامه امیر علی‌شیر نوشته بارتولد: *Four Studies on the History of Central Asia*, vol. 3.
۱۵. نک: خواندمیر، *مکارم‌الآخلاق*، فصلهای ۲ و ۵ و ۶ درباره امیر علی‌شیر.
۱۶. خواندمیر، همان، ص ۱۸۷. به نظر می‌رسد پلینسکی این متن را در نسخه‌ای از زمچی یافته باشد (!) اما تفسیر مغایری از آن دارد؛ بدین معنا که معماران نخست گنبد را مرمت کردند، چنان‌که گنبد را در این مرحله نگاه داشته باشند. دشوار بتوان روشن ساخت که چرا خواندمیر در کنار ذکر دیگر ابعاد، اندازه‌های آن را به دست نداده است (نک: حدولی).
۱۷. این نقشه را نخست فرای منتشر کرده؛ اما با جهات نادرست:
- Frye, "Two Timurid Monuments".
- نقشه اصلی دوباره در این منبع منتشر شد:
- Stuckert, "Der Baubestand der Masjid al-Jami in Herat 1942-1943"
- این نقشه جای نقشه دستی چاپ شده در منبع زیر:
- Niedermayer and Diez, *Afghanistan*
- و دیگر توصیف‌های مبتنی بر آن، مانند منبع زیر، را گرفت:
- Brandenburg, *Herat*, pp. 28-32.
- فقط قسم‌هایی که استاکرت منتشر کرده جهتی درست است.
۱۸. خواندمیر، همان، ص ۱۸۷-۱۸۹.